

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2019Y3N10A6 ISSN-P: 2538-3701

بررسی جزایی ضبط و مصادره اموال در قانون مجازات اسلامی ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۶/۱۲)

سینا نجفی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

مالکیت حقی است برای بشر تا او بتواند بدون دغدغه و باازادگی زندگی خودرا به سربرد و شخصیت خود را بسط دهد مالکیت جزفطرت و غریزه انسان است مالک می تواند باهر شیوه ای که مایل باشد و باهر انگیزه ای که دارد از عین مال خود بهره مند گردد یا آن را بی استفاده قرار دهد. از طرفی برای در اجتماع زیستن، آدمیان به تجربه و فراست دریافتند که چنانچه هرکس بخواهد بدون هیچ قید و بندی مطابق میل خود عمل کند آرامش اجتماعی و نظم عمومی برقرار نخواهد گردید زیرا باتوجه به خواسته ها و تمایلات لاینتهای بشری بلاشک حقوق و آزادی دیگران نقض میگردد و چه بسا تعارض و تقابل همیشگی حقوق این افراد موجب نابودی بشریت می گردید از این رو برای هم زیستی مسالمت آمیز و حرکت به سوی تکامل به ناچار رعایت برخی از اصول و قواعد در جامعه خواه بطور صریح خواه بطور ضمنی مورد توافق آنان قرار گرفت. در صورت تخطی و سرپیچی از این قواعد و مقررات هم ضمانت اجرایی به صورت مجازات های مختلف اعمال می گردید.

واژگان کلیدی: ضبط اموال، مصادره، حق مالی، قانون مجازات، توقیف اموال

۱۳۵



بخش اول: کلیات

بند اول: ضبط اموال از لحاظ هدف و جایگاه

همانگونه که در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی تصریح شده است، هدف از مجازات‌های بازدارنده، حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع است. از اینرو حکومت اسلامی بنا به مصالحی انجام یا ترک افعالی را جرم محسوب نموده و برای ضمانت اجرای این تکالیف و الزامات، مجازات مقرر داشته است و زمانی هم که احساس کند نظم و مصلحت جامعه بدون الزام قانونی تأمین می‌گردد، مجاز به حذف عناوین جزایی تقنینی خود می‌باشد؛ مانند زایل نمودن وصف کیفری از چک بلامحل، درحالی‌که مجازات‌های تعزیری و اجد چنین خصیصه ای نبوده و جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی آنها از صلاحیت و اختیار حاکم خارج است و تابع مقتضیات و مصالح نمی‌باشند. آنچه مسلم می‌باشد این است که مجازات‌های بازدارنده از حیث ماهیت و هدف با تعزیرات شرعی متفاوت می‌باشد و از این رو نمی‌توان آن را به عنوان قسمی از تعزیرات شرعی معرفی نمود. واضح است که هدف از تعزیرات شرعی، جلوگیری از ارتکاب محرمات و ترک واجبات الهی است، در حالی که هدف از تدوین مجازات‌های بازدارنده، حفظ نظم و مصلحت اجتماع می‌باشد. از سوی دیگر، وصف مجرمانه در جرایم مستوجب تعزیر شرعی، وصف ابدی و زایل نشدنی است؛ چه آن که حرام الهی همواره حرام تلقی می‌شود؛ اما مجازات‌های بازدارنده و جرایم موضوع آن براساس مصالح جامعه در تغییر بوده و چه بسا با زوال مصلحت، وصف مجرمانه آن نیز زایل شود.

بند دوم: بررسی واژه ضبط در لغت

ضبط در ریشه «ضَبَطَ» به معنای گرفت، نگهداشت، دستگیر کرد، جلوگیری کرد، پیروز شده، غلبه یافت، توقیف کرد و مصادره کرده آمده است.^۱

۱- حمید محمدی، ضبط مصادره و استرداد اموال چاپ اول انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۵۱۲.

درفرہنگ عمید، ضبط به فتحه ضاد به معنای نگاه داشتن، حفظ کردن، محکم کردن، نگاهداری، بایگانی و ضابط به معنی نگاهدارنده و حفظ کننده آمده است.^۱

در کتاب ترمینولوژی حقوق در بیان معنی و تعریف ضبط آمده است:

در علم درایه ضبط به معنی نگهداری حفظی یا کتبی حدیث است از حال سماع تا زمان اظهار و اداء و بیان و در حقوق اداری عمل بایگانی است.^۲

در کتاب مبسوط در ترمینولوژی حقوق عبارت ضبط جاری و ضبط خاص به معانی فوق الذکر افزوده شده و معانی زیر نیز ذکر شده است:

«ضبط جاری بایگانی پرونده هایی است که کار راجع به آنها هنوز پایان نیافته و گرنه آن را ضبط را کد گویند و ضبط خاص مصادره کردن اموال و ضبط کردن آنها جزو املاک خاص سلطان کردن می باشد».^۳ ضبط در لغت به معنی گرفتن و نگهداشتن به زور و اجبار، ضبط زمین به معنی توقیف آن و به معنی به زور گرفتن و توقیف کردن چیزی است، در اصطلاح ضابطین هم به بخشی از سربازان حاکم در قدیم گفته می شد که وظیفه جمع و نگهداری و حفظ اموال و احضار مجرمین و امثال آن را در دارالحکومه به عهده داشته اند و ضابط به معنی گیرنده و نگهدارنده آمده است.^۴ در فرهنگ معین نیز ضبط به معنی حفظ کردن و نگاهداشتن و تصرف کردن و در قبضه آورده و نگهداری و ضبط کردن به معنی حفظ کردن و تصرف کردن و به ملکیت گرفتن و بایگانی کردن آمده است.^۵ بنابراین ضبط در لغت به معنی گرفتن نگاهداشتن،

۱- حسن عمید، فرهنگ عمید، چاپ پنجم

۲- دکتر محمد جعفر لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۲۱۲.

۳- دکتر محمد جعفر لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق چاپ اول کتابخانه گنج دانش ۱۳۷۸ ص ۲۳۲.

۴- حمید محمدی، منبع قبلی، ص ۵۱.

۵- دکتر محمد معین، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲.

دستگیر کردن، جلوگیری کردن، پیروز شدن، غلبه کردن توقیف کردن و مصادره کردن، نگاهداشتن و تصرف کردن می باشد.

بند سوم: ضبط در اصطلاح حقوقی

در حقوق جزا و در قوانین جزائی واژه ضبط به دو طریق تبیین گردیده است: یکی طریق انشائی، بدین معنی که طوری در کتابت و انشاء مفاد قانون و یا نوشته حقوقی از واژه ضبط استفاده شده به وضوح به معنی توقیف موقت و یا دائم از آن استنباط می گردد، مثل مفهوم واژه ضبط در صدر و ذیل ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی.

دوم به طریق اعلامی که قانونگذار یا دانشمند حقوق ترجیح داده که به جای تبیین انشائی از واژه خاص استفاده کنند و لذا از واژه ای که معنی ضبط دائم شیء را می رساند بکار میگیرند که همان اصطلاح مصادره مال می باشد^۱، که در این مقاله هم بیشتر طریقه ی اعلامی مورد استفاده قرار گرفته و به مفهوم واژه توجه گردیده است. هر چند برخی از نویسندگان حقوقی ضبط را مترادف با مصادره دانسته اند که به معنای توقیف و اخذ مال توسط دولت بکار رفته است^۲ همچنین کیفر ضبط و مصادره اموال را بطور کلی تعریف نموده اند که عبارت است از زیان وارده نسبت به اموال نامشروع متهم به حکم قانون و توسط مراجع قضائی. در تعریف ضبط از نظر حقوقی می توان گفت، ضبط عبارت است از توقیف مال موجود کشف شده، حاصل از جرم کسی به طور موقت و بدون حق برداشت، که در اموال و اشیاء مربوط به ارتکاب جرم یا اموال حاصل از جرم و به موجب دستور یا قرار و یا حکم مقام صلاحیت دار قانونی صورت می گیرد و موکول به استرداد به مالک و متصرف قانونی آن می باشد و لذا نفع و حقوق مالک

۱- حمید محمدی، منبع قبلی ص ۷۹.

۲- حمید محمدی، منبع قبلی ص ۸۵.

و متصرف قانوناً محفوظ و در مدت توقیف مال در نزد ضابط به عنوان امانت خواهد بود. ضبط ممکن است شامل جزیی یا قسمتی یا تمام اموال شخص باشد. ضبط در قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان مصوب ۳ آذر ۱۳۷۰ در بند ج ماده یک چنین تعریف شده است: ضبط که در موارد مقتضی شامل جریمه می گردد به معنای محرومیت دائم از ملکیت به موجب دستور صادره از یک دادگاه و یا مرجع صالح دیگر می باشد.

بخش دوم: تعریف و معنای مصادره اموال

مصادره مصدر عربی باب مفاعله از ریشه صدر به معنی انصراف و برگشت دادن، در فرهنگ فارسی عمید، مصادره به معنای مال کسی را به زور ضبط کردن، جریمه و تاوان گرفتن و بازگیری آمده است. مصادره در لغت به معنی مطالبه مال است و در اصطلاح زبان فارسی مطالبه و گرفتن مال به وسیله دولت از غیر طرق قانونی و با طرق متعارف را گویند.

واژه مصادره اموال در زبان فارسی در معانی زیر به کار رفته:

۱- تاوان، تاوان گیری، مطالبه مال به زور یا به سبب ارتکاب گناه، اخذ جریمه.

۲- ضبط کردن دارائی کسی که مرتکب جرمی که مرتکب شده یا دزدی که سبب به دست آمدن آن دارائی شده است.

۳- مصادره در اصطلاح مستوفیان، ضبط اموال عامل است در ازای مالی که در ضمان داشته شده است (لغت نامه دهخدا ذیل «مصادره»).

۱- حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران انتشارات جاویدان چاپ نهم ۱۳۵۶ ص ۹۷۹.



۴- مطالبه مال^۱.

واژه مصادره در زبان عربی در معانی ذیل بکار رفته شده است: گرفتن یک چیز یا قدرت حکومتی و ضبط املاک دو نمونه از موارد کاربرد این اصطلاح عبارتند از:

- المصادره فی القانون: ضبط اموال خصوصی دیگران به وسیله دولت براساس قانون یا براساس حکم دادگاه.

- مصادره فی الاملاک: مصادره و ضبط املاک^۲.

بند اول: مصادره در اصطلاح حقوقی

در اصطلاح حقوقی منظور از مصادره این است که دولت از تمام یا قسمتی از اموال فردی شخص سلب مالکیت کند و خود آن اموال را در اختیار گیرد.^۳ دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی در توقیف مال آورده است: «توقیف مال عبارت است از سلب آزادی از مال شخص و در اختیار گرفتن آن در مدت معین یا نامحدود، به طوریکه در زمان آن حالت انتظار ترخیص وجود داشته باشد و اگر حالت انتظار و ترخیص وجود نداشته باشد آن را ضبط یا مصادره اموال گویند^۴. بنابراین مصادره اموال یعنی ضبط تمام یا بخشی از اموال متهم به نفع دولت. البته بدیهی است صدر حکم مذکور به اعتبار آثار حقوقی آن در شأن دادگاه می باشد. شایان ذکر است که ایشان در کتاب مبسوط ترمینولوژی حقوق ضمن توجه دادن مخاطب به مفاهیم و تعاریف



۱- دکتر محمد عیسی تفرشی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، جلد اول، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ص ۲۴۶.

۲- دکتر محمد عیسی تفرشی، منبع قبلی ص ۴۵۶.

۳- دکتر حمید بهرامی احمدی، سوء استفاده از حق، انتشارات اطلاعات تهران، ۱۳۷۰ ص ۳۷۳.

۴- دکتر محمد جعفر لنگرودی، منبع قبلی ص ۴۱۴.

مذکور، نکات مبسوطی را در جهت تشریح و تبیین ماهیت حقوقی و اجرایی واژه مصادره اموال بیان نمودند که به لحاظ اهمیت آن عیناً نقل و درج می شود:

مصادره: مصادره یا ضبط دیوان مجازاتی است از سنخ جریمه های مالی که اگر مسبوق به محاکمه قاضی عادل و صدور حکم باشد می توان زیر عنوان تعزیر قرار گیرد. اگر بدون محاکمه باشد سندی از شریعت مطهره بر آن نیست. غزالی آن را منع کرد و مؤلف کتاب سلوک الملوک که دستگاه عبیدالله خان اوزبک بود گفته است که مصادره حرام محض است و هیچ گاه شرع آن را مباح نکرده است و هیچ اجتهادی آن را تجویز ننموده است و متحمل آن کافر است و هر که با او دادوستد کند فاسق است.

بند دوم: ضبط اموال در تاریخ اسلامی

بطوریکه کتب و منابع تاریخ اسلام حکایت دارد در اسلام ضبط اموال سابقه دارد. نوشته اند که ضبط و مصادره اموال در اسلام از زمان خلفای راشدین شروع شده است.

«یعقوبی مورخ می نویسد که معاویه اولین کسی است که دستور ضبط و مصادره را صادر کرده».^۱

نمونه هایی از اعمال ضبط و مصادره اموال در تاریخ اسلام و به نقل از تاریخ تمدن اسلامی اشاره می شود «در زمان خلفای راشدین اگر والیان (عمال) از راه تجارت یا طریق دیگر اضافه بر حقوق سودی بدست می آورند خلفا نصف آن سود را به نفع بیت المال مصادره می کردند، چنانچه عمر یا والیان خود در کوفه و بصره و بحرین چنان کرد و این عمل را در آن زمان مقاسمه می گفتند» در زمان بنی امیه که مأمورین عالی رتبه دولت یا ظام زور استبداد مردم را

۱- جعفر لنگرودی، دکتر محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی، منبع قبل، ص ۳۷۵.



غارث می کردند مصادره به نام استخراج صورت می گرفت تا آن درجه که در اواخر حکومت بنی امیه (والی) که از کار برکنار می شد، دارائی او را حساب می کردند آنچه دستشان می آمد از دارائی والی ضبط می نمودند. در اوایل دولت عباسی مأمورین عالی رتبه از میان برادران و عموهای خلیفه انتخاب می شدند و از آن رو صحبت مصادره به میان می آمد، گرچه پاره ای از مأمورین وقعاً نیک سیرت نبودند. سپس کاربردست سایرین افتاد و جور و بیداد و طمع ورزی آغاز گشت و خلفا دست به ضبط و مصادره اموال گشودند. منصور محلی را نام (بیت المال) نهاد و آنچه از مأمورین خود مصادره می کرد در آن محل جمع می کرد و از زمان مهدی آتش بیداد مأمورین به حدی شعله ور شد که مهدی «ه ۱۵-۱۶۹ هجری» و پس از آن هادی و هارون و مأمون تا «اواسط قرن سوم مرتب برای رسیدگی به مظالم و شکایات در روزهای معین جلوس می کردند و البته تمام شکایات از دست عمال و مأمورین بود. موقعی هارون از وزیر خود یحیی برمکی راجع به علی ابن عیسی مشورت کرد که او را به فرمانروایی خراسان بفرستد به یحیی نظر مخالف داد، اما هارون به مخالفت وزیر توجه نکرد، و علی ابن عیسی رابه خراسان فرستاد و علی ابن عیسی در خراسان بیداد کرد و آنچه توانست اموال مردم را گرفت و هدیه های بسیاری از جامه و پارچه و مشک و برده و اسب، برای هارون فرستاد. هارون که هدیه های بی نظیر را دید به یحیی گفت: ای ابو علی (کینه ی یحیی ابو علی بود) این همان والی است که با انتساب او مخالف بودی و ما برخلاف نظر تو فرستادیم و اکنون می بینی که مأموریت او چقدر پر برکت می باشد. یحیی گفت: ای خلیفه خدا جان مرا فدای تو کند اگرچه طبعاً میل دارم رایم درست باشد و در مشورت موفق باشم ولی بیشتر می خواهم که رأی خلیفه و الا تر و عملش بیشتر و نظرش صائب تر باشد و آنچه او می خواهد ناپسند نباشد. اما آنچه را که این عامل ستمگر برای خلیفه فرستاده بیشترین را با زور و تعدی از مردمان شریف گرفته است والی اگر خلیفه



اجازه دهد دو مقابل آن را از بازرگانان کرخ می ستانم هارون گفت: چطور؟ یحیی گفت: با جواهر فروش راجع به خرید جواهر صحبت کردیم من تا هفت میلیون درهم حاضر شدم، او راضی نشد. اکنون دنبال او می فرستم که جعبه جواهری را برای تجدید نظر بیاورد و همین که آورد، منکر می شویم و باور نمی کنیم و فوراً هفت میلیون درهم استفاده می بریم و همین طور با یک دوتا تاجر دیگر رفتار می کنیم! این وضع عجیب نیست بدانیم که دارائی محمد ابن سلیمان والی بصره در زمان هارون الرشید پنجاه میلیون درهم نقد و املاک زیادی بود که روزی صد هزار درهم درآمد آن املاک می شد و نقدینه علی بن عیسی بن ماهان به هشتاد میلیون درهم رسید و هارون چاره ای جز مصادره آن همه دارائی به خاطرش نیامده و همه را ضبط کرد. مصادره گاه پس از مرگ عامل «مانند مصادره اموال محمد بن سلیمان» و گاه پیش از مرگ او مانند «مصادره اموال علی بن عیسی» انجام می گرفت، چنانچه هارون عیسی را از خراسان برداشته نقدینه و اموال منقول او را برصد و پنجاه شتر بار کرده و به بیت المال برد به استثنای سی میلیون درهم نقد که عیسی پسر علی بن عیسی در باغ عمارت خود واقع در بلخ پنهان کرده بود. ضبط اموال عمان چندان دوام نیافت چه به زودی عمال استقلالی برهم زده در در قلمرو خود فرمانروایی مطلق گشتند و سالانه مبلغ معینی به بغداد می فرستادند و غالباً هم نمی فرستادند در عوض مصادره اموال وزیران شیوع یافت خلفای اموال وزیران را مصادره می کردند تا بدان وسیله کسری بیت المال را جبران نمایند و این عمل را نوعی عدالت می دانستند که اموال عمومی را از وزیران گرفته به خزانه عمومی «بیت المال» برسانند. خلفای نخستین عباسی در آغاز اموال وزیران را نه از روی احتیاج بلکه برای مجازات وزیران در مقابل گناهان سیاسی و امثال آن مصادره می کردند. مثلاً عبوسلمه خلال «مشهور به وزیر آل احمد» نخستین وزیر سفاح پول زیادی در راه استقرار خلافت عباسیان مصرف می کرد و همانطور که عبومسلم آنان را با



شمشیر خود کمک کرد ابوسلمه پول می داد و چون به سفاح خبر دادند ابومسلم می خواهد خلافت را از عباسیان بازستاند، سفاح به ابومسلم اشاره کرد که کارش را بسازد. ابومسلم ابومسلم را بکشت و خلیفه دارائی ابوسلمه را ضبط کرد و پس از چندی منصور عباسی همان کار را با ابومسلم انجام داد. همین قسم هارون با برمکیان و معتصم با مروان رفتار نمود ولی معتصم بیشتر از نظر ضبط اموال، فضل را از پای در آورد، چه از خانه فضل یک میلیون دینار و مقداری ظروف و اسباب خانه که آن هم یک میلیون دینار می ارزید به دست معتصم افتاد. از آن پس که دوره ی انحطاط فرا رسید منظور از مصادره اموال وزیران فقط رفع احتیاج و تصرف دارائی آنان بوده است. مصادره ی اموال وزیران بیش از هر موقع در زمان مقتدر (۲۹۵، ۳۲۰ هجری) انجام گرفت مقتدر در خردسالی و جوانی به خلافت رسید و امور مملکت به دست مادر خلیفه و زنان خلیفه و گماشتگان خلیفه اداره می شد... در زمان خلافت مقتدر وزیران زودبه زود تغییر میکردند و اموال آنان مصادره می شد. که سه مرتبه به وزارت رسید و اموال زیادی گرد آورد که تمام آن مصادره رفت، بطور کلی اموال تمام وزیران مقتدر مصادره شده و خودشان یا زندانی می شدند یا به قتل می رسیدند. علاوه بر اموال وزیران اموال قاضیان و ملازمان و زنان حرم سرا و غیره نیز در ایام مقتدر مصادره می شد به قسمی که میزان مصادره اموال به چهل میلیون دینار رسید. خلاصه اینکه مصادره منبع در آمد عمومی و خصوصی شد. والی اموال مردم را مصادره می کرد. وزیر مال والی را و خلیفه اموال وزرا و طبقات مردم یکدیگر را. اما خلفا تا برای پرداخت حقوق سپاهیان و سایر هزینه های لازم به پول احتیاج نداشتند اموال وزیرا را مصادره نمی کردند. خلفا اموال وزیران را چنانچه که گفتیم متعلق به بیت المال می دانستند و عقیده داشتند که استرداد اموال که بازور و ظلم از مردم گرفته شده برای جوامع عمومی امر مشروعی می باشد. در دوره انحطاط عباسی اختلاس اموالی عمومی و رسوایی نویسنده گان دفاتر مالیات



بالا گرفت و از آن رو اموالشان مصادره می شد، مثلاً در سال ۳۲۹ هجری واثق خلیفه عباسی بسیاری از آنان را به زندان افکنده یا شدت هر چه تمامتر اموالشان را مصادره کرد و همین طور معتر در سال ۲۵۵ هجری اموال نویسندگان را مصادره نمود.^۱ استقرای نام در قرآن کریم و معظم منابع حدیثی اعم از کتب اربعه، وسائل الشیعه، مستدرک او سائل و بحار الانوار نشان می دهد که در منابع فقهی، یعنی کتاب و سنت هرگز اصطلاح مصادره اموال بکار نرفته است. در متون و آثار فقهی شیعه نیز با استقرای ناقص که به عمل آمده، جز در یک مورد اثری از اصطلاح مزبور یافت نشده است.

بند سوم: مبانی قانونی ضبط اموال

بطور کلی در بررسی تحولات تاریخی حقوق جزای ایران که ضبط اموال هم جزئی از آن است، ضرورت دارد بین دوره ی قبل از مشروطیت و دوره ی بعد از آن تفاوت قائل شد. در دوره ی قبل از مشروطیت، مطالعه در مسایل مربوط به تاریخ حقوق جزای ایران به عمل نیامده است، این وضع شاید بدان سبب باشد که وضع حقوق جزا قبل از مشروطیت اصولاً مهم بوده است. مع ذلک مسلم است که قواعد اصلی حقوق جزا تا قبل از مشروطیت، همواره از فقه اسلامی اتخاذ می شده است، لیکن در مورد تعیین مجازات، حکام و فرمانروایان به هر نحو که مایل بودند، مجرمین را مجازات می کردند که یکی از مجازات ها حقوق جزای ایران در زوره ی بعد از مشروطیت، با تصویب قانون اساسی و متمم آن که حقوق اولیه افراد و اصول پایه های نظم اجتماعی را در برداشت و همچنین قواعد حقوق جزای مورد اعمال ضبط، مصادره اموال بوده است. و تعیین مجازات ها برای حمایت و پاسداری از این اصول متحول گشت. به هر حال، اولین قانون مدون حقوق جزا در ایران بصورت لایحه قانون مجازات عمومی با اقتباس

۱- تفرشی، دکتر محمد عیسی، منبع قبلی، ص ۴۵۶.



از حقوق جزای عمومی فرانسه سال ۱۸۱۰ و اصلاحات بعدی آن، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی به تصویب کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی رسید.^۱

اصل شانزدهم قانون اساسی دوران مشروطیت مقرر می داشت:

«ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون»

اصل پانزدهم قانون اساسی دوران مشروطیت مقرر می داشت:

«هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تأدیه قیمت عادلانه است...» و مطابق اصل هفدهم متمم قانون اساسی دوران مشروطیت سلب تسلط مالکین و متصرفین از اموال و املاک متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون، چنانچه در ماده ۳۱ قانون مدنی ایران آمده است: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی توان بیرون کرد مگر به حکم قانون» با توجه به اقتباس قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ از قانون فرانسه، در اینجا قبل از بررسی قانون مزبور، ماده مربوط به ضبط و مصادره اموال در حقوق جزای فرانسه ذکر می شود.

۱۴۶



بخش سوم: بررسی ضبط در قوانین جزایی ایران

ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی (م ۲۱۴ ق.م.ج جدید) به تفصیل مجازات ضبط اموال را مورد بحث قرار داده است و تکلیف دادگاه و مراجع قانونی را در موارد مختلف ضبط اموال و اشیاء بیان می کند. علاوه بر ماده مذکور می توان از ماده ۵۲۲ (م ۷۴۴ ق.م.ج جدید) از قانون مذکور در مورد ضبط اموال ناشی از جرم سگه قلب، ماده ۵۳۹ از قانون یاد شد در مورد ضبط اموال ناشی

۱- ناصر رضوانی جویباری، معاونت در جرم در قانون مجازات اسلامی و مقایسه آن با حقوق آمریکاییان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران ۱۳۷۸، ص ۴۹.

از تصدیق خلاف واقع و ماده ۵۶۲ (م ۷۸۴ ق.م.جدید) در مورد ضبط اشیاء مکشوفه و آلات و ادوات حفاری، ماده ۵۶۸ (م ۷۹۱ ق.م.جدید) در مورد ضبط وسایل و تجهیزات و اموال فرهنگی تاریخی، ماده ۵۹۲ راجع به ضبط اموال ناشی از ارتشاء، ماده ۷۰۹ (م ۹۲۷ ق.م.جدید) در مورد ضبط اسباب و نقود متعلق به قمار که در مباحث آتی برخی از موارد مذکور را مورد بررسی قرار می دهیم در ضمن در فصل چهارم کلیه مواد مربوط به ضبط اموال را در قوانین مختلف می نویسیم. حال با توجه به اهمیت ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی، نخست آن را مورد بررسی تحلیلی قرار می دهیم. ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی (م ۲۱۴ ق.م.جدید) مقرر می دارد: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم است و یا از جرم تحصیل شده و یا هنگام ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد هم چنین بازپرس و یا دادستان مکلف است تا زمانی که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذی نفع با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیای مذکور را صادر کند.

۱۴۷



۱- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

۲- اشیاء و اموال بلامعارض باشد.

۳- در شمار اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم شود.

در کلیه امور جزایی، دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیاء و اموالی که وسیله جرم بوده یا بر اثر جرم تحصیل شده است یا هنگام ارتکاب استعمال یا برای استعمال

اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین کند که آن‌ها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود.

بند اول: ضبط موقت یا بازداشت موقت اموال

وقتی که مراجع ذی صلاح، کشف جرم و یا بازپرس و یا دادستان (رئیس دادگستری، رئیس دادگاه، مطابق قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب) و در مرحله‌ی تحقیق و دادگاه عمومی در زمانی که دادگاه عمومی رأساً به جرم رسیدگی می‌نماید، اشیاء و اموال را ضبط می‌نماید، این نوع ضبط اموال براساس دستور یا قرار خاص صورت می‌گیرد و برحسب مورد ضبط مال از تاریخ وقوع ضبط تا رسیدگی به موضوع در دادگاه عمومی و صدور حکم ممکن است ادامه یابد و چه بسا در این فاصله از سوی بازپرس یا دادستان (رئیس حوزه قضائی، یا رئیس دادگاه یا دادگاه) و حتی در مواردی از سوی خود مأمورین کشف جرم، اشیاء و اموال ضبط شده به صاحب آن مسترد گردد و توقیف مال پایان یابد. البته دستور ردّ اموال و اشیاء به صاحب آن‌ها از سوی (بازپرس و یا دادستان) قاضی منوط به تحقق شرایط مقرر در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

ضبط موقت اموال مطابق ماده ۱۰ به جهات و علل زیر صورت می‌گیرد:

۱- به عنوان «دلیل» گاهی اشیاء و اموال از این جهت که برای اثبات اتهام متهم در مرحله تحقیق یا دادرسی مورد استفاده قرار گیرند، صورت می‌گیرد که پس از رفع احتیاج به صاحب آن «مسترد» می‌گردد.

۲- به منظور «مسترد کردن» گاهی اشیاء و اموال از این جهت که از جرم حاصل شده و کشف و یا از متهم به دست آمده و بایستی به صاحبان آن مسترد گردد ضبط می‌شوند که در این موارد



با مراجعه و تقاضای مالک یا ذی نفع در جریان تحقیق یا محاکمه از سوی قاضی دادگاه از مال رفع توقیف شده و به صاحب آن مسترد می گردد.

۳- به منظور «معدوم کردن»، گاهی اشیاء و اموال از این جهت که بایستی به حکم قانون معدوم شوند و یا به احتمال شمول حکم قانون برای معدوم کردن آن هاضب می شوند که در این موارد ضبط مال ادامه پیدا می کند تا دادگاه تکلیف آن را از این جهت که معدوم و یا ضبط شود تعیین نماید.

۴- به منظور پیشگیری از خطر به عنوان یک اقدام تأمینی - تریبیتی گاهی اشیاء و اموال به جهت پیشگیری از وقوع جرم و خطر جانی و مالی برای افراد و یا ورود ضرر به جامعه و به جهت خطرناک و مضر بودن ضبط می شوند، که در این موارد ممکن است پس از رفع حالت و یا وضع خطرناک و احتمال رفع ضرر از اشیاء و اموال رفع توقیف و به صاحبان مسترد شوند و یا اینکه به جهت بقای وصف خطرناک و مضر بودن توقیف آنها ادامه یابد تا دادگاه حکم به ضبط دائم آن ها بدهد^۱

۱۴۹



۵- به منظور تأمین حقوق زیان دیده از جرم، گاهی اشیاء و اموال از این جهت که حق زیان دیده از جرم ضایع نشود برای رفع ضرر از متضرران جرم موقتاً ضبط می گردند تا زمانی که دادگاه حکم به پرداخت حق زیان دیده از جرم صادر نماید و مابقی به مالک و صاحب آن مسترد می شود.

البته لازم به توضیح است که مطابق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در مواردی که دادگاه به استناد ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی حکم دهد، زیان دیده از جرم نیازی به تقدیم

۱- حمید محمندی، بررسی مواد ۱۰ قانون مجازات اسلامی و ۱۰۷ آیین دادرسی کیفری، پایان نامه حقوق جزایی، دانشگاه آزاد مرکزی تهران سال ۷۳، ص ۳۰۶.

دادخواست ندارد ولی برای مطالبه خسارات ناشی از جرم لازم است که دادخواست به دادگاه بدهد.^۱ بنابراین با توجه به موارد فوق می توان گفت که غالباً ضبط اموالی که در مرحله ی تحقیق و کشف جرم و گاهی محاکمه ی متهم صورت می گیرد، از موارد ضبط موقت اموال است که در اکثر موارد نیز به استرداد می انجامد و تا قبل از محاکمه متهم و در جریان محاکمه و صدور حکم از سوی دادگاه منجر به استرداد مال به صاحب آن و به ندرت منجر به صدور حکم به ضبط دائم و معدوم کردن مال ضبط شده می گردد. البته لازم به ذکر است که اغلب ضبط موقت اموال در رابطه با جزء یا قسمتی از اموال متهمان صورت می گیرد و باید در نظر داشت که چنانچه استثنائاً در مرحله ی کشف، تحقیق و تعقیب از سوی ضابطین عدلیه یا قضات اموال متهم موقتاً بازداشت گردد، پس از رسیدگی به متهم و در مرحله ی دادرسی، دادگاه کیفری تنها آن بخش از اموال متهم را که در اثر ارتکاب جرم حاصل گردیده و یا وسیله جرم بوده و یا به عنوان دلیل وجودشان لازم می باشد، ضبط نموده و مابقی آن را به صاحب مال مسترد می دارد. (مطابق ماده ۱۰ ق.م.ا)

بند دوم: ضبط دائم یا مصادره اموال

«مصادره اموال» در ادامه ضبط موقت اموال است که بدو از سوی مأمورین کشف جرم و یا به دستور دادگاه کیفری بنا به احتیاط و تأمین حقوق زیان دیده از جرم یا بیت المال یا دولت و یا رعایت حال جامعه صورت گرفته، و یا پس از رسیدگی به اتهام متهم و محاکمه او از سوی

۱- غلامرضا شهری و سروش ستوده تهرانی، نظرهای مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در مسائل کیفری، جلد اول، چاپ دوم، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۷، ص ۱۹۹.



دادگاه کیفری و به عنوان مجازات مالی و یا به جهت استرداد حقوق زیان دیدگان رأساً و به موجب حکم خاص صورت می گیرد.^۱

جهات مصادره اموال را می توان به شرح ذیل نام برد:

۱- به عنوان کیفر و مجازات مجرمی که در اثر ارتکاب جرم و از طریق مجرمانه آن اموال و اشیاء را به دست آورده دادگاه حکم به مصادره اموال می دهد.

البته در صورتی که این نوع از ضمانت اجراء کیفری به عنوان مجازات اصلی یا مجازات تکمیلی توسط مقنن در متن قانونی پیش بینی شده باشد.

۲- به منظور احقاق حقوق عمومی و اعاده اموال به غارت برده شده از بیت المال عمومی توسط مجرم، گاهی دادگاه حکم به مصادره اموال به غارت برده شده یا معد برای اعمال مجرمانه می دهد.

۳- به منظور پیشگیری از وقوع جرم و یا رفع خطر و یا جلوگیری از ورود ضرر به افراد و جامعه، گاهی دادگاه حکم به ضبط اشیاء و اموال خطرناک و مضر صادر می نماید. (مثل حکم به ضبط دایم اسلحه غیر مجاز).

البته باید گفت: مصادره کلی یا جزئی اموال در موارد و اوضاع و احوال خاصی مثل انقلاب، بیشتر در جرایم سیاسی و درباره شخص خاص به موجب فرمان یا حکم مقام صلاحیت دار یا مجلس یا به وسیله ی قوه ی مجریه و قضائیه به مرحله ی اجرا در می آید که فاقد شرط و قید است به طوری که ممکن است بدون وجود نصّ قانونی و نسبت به همه ی اموال متهم حتی اموال بلا معارض اعمال گردد.

۱- حمید محمدی، منبع قبلی ص ۱۵۶.



مبحث دوم: بررسی تحلیلی ضبط ومصادره اموال در قانون آئین دادرسی

کیفری

فصل سوم از باب اول قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی وانقلاب در امور کیفری که شامل مواد ۹۶الی ۱۱۲می باشد و عیناً همان مقاله دوم از مبحث سوم از فصل سوم از باب اول قانون آئین دادرسی کیفری سابق می باشد به تفتیش وبازرسی منازل واماکن کشف آلات وادوات جرم وچگونگی ضبط ومصادره آن اختصاص دارد و هم چنین فصل اول از باب سوم قانون صدر الذکر به نحوه وموارد تجدید نظر احکام کیفری می پردازد که شامل ضبط ومصادره اموال نیز می شود لذا ابتدا مواد مربوط به نحوه ی ضبط وتوقیف آلات وادوات جرم در این قانون را مورد بررسی قرار داده وسپس چگونگی تجدید نظر از احکام مربوط به مجازات ضبط ومصادره اموال را مورد تجزیه وتحلیل قرار می دهیم ودر انتها هم به رفع ابهاماتی در رابطه با ضبط اموال خواهیم پرداخت.

بخش چهارم: بررسی مواد مربوط به نحوه ی ضبط آلات وادوات جرم

ماده ۱۰۷قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی وانقلاب در امور کیفری که همان ماده ۱۰۳قانون آئین دادرسی کیفری سابق می باشد مقرر می دارد: «آلات وادوات جرم از قبیل خرید اسلحه، اسناد ساختگی، سگه تقلبی، وکلیه اشیائی که در حین بازرسی به دست آمده» و می تواند موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم باشد باید ضبط شده ودر صورت مجلس، هریک اشیای مزبور تعریف وتوصیف می شود ودر ماده ۱۰۸قانون فوق الذکر آمده است: «آلات و ادوات جرم را باید شماره گذاری و مهور وحفظ نمود وآنچه را که قاضی تحصیل می کند باید با ذکر مشخصات به صاحبانش رسید بدهد». در ماده ۱۱۱نیز مقرر گشته: «اموال مسروقه یا اشیائی که به واسطه ارتکاب جرم تحصیل شده ویا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات



شده، باید به دستور قاضی، به کسی که مال از او به سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود مگر اینکه وجود تمام یا قسمتی از آن ها در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می شود. اشیائی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنی است «منظور از ضبط در موارد مذکور، ضبط موقت اشیاء و آلات جرم می باشد که همانطوری که در بخش مربوط به جهات ضبط اموال ذکر شد هدف و جهات ضبط در مواد مذکور نیز به خاطر کشف جرم و دلیل می باشد و یا به منظور یک اقدام تأمینی و پیشگیری از وقوع جرم ضبط صورت می گیرد و یا به منظور جبران خسارت زیان دیده از جرم می باشد و یا به منظور استرداد اموال به صاحب و مالک آن می باشد و یا به علت اینکه اشیاء و اموال مربوطه چیزهایی است که باید معدوم گردد و همه ی مواد مذکور علت و جهاتی است که ایجاب می کند تا آن اموال و اشیاء ضبط شوند. لازم به ذکر است که حکم ماده ۱۰۷ قانون مذکور شامل کلیه اموال و اشیاء اعم از منقول و غیر منقول می گردد. ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب به استرداد اموال ضبط شده در حین تحقیقات مقدماتی، اختصاص دارد. البته به نظر می رسد برای استرداد اموال و اشیاء مزبور باید تقاضای ذی نفع و شرایط مقرر در ماده ۱۰ ق.م.ا وجود داشته باشند که این شرایط عبارتند از:

۱- وجود تمام یا قسمتی از اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

۲- اشیاء و اموال بلامعارض باشد.

۳- در شمار اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

استرداد اموال مذکور بنا به قاعده اصل احترام به مالکیت مشروع و رد مال به صاحب آن می باشد. مطابق قسمت اخیر ماده مزبور، هرگاه وجود تمام یا قسمتی از اشیاء و اموال در موقع



تحقیق و دادرسی لازم باشد، توقیف آن‌ها تا آن زمان ادامه یافته و پس از رفع احتیاج در صورت وجود شرایط فوق‌الذکر به صاحبان آن‌ها مسترد می‌گردد به علاوه اشیائی که طبق قانون باید ضبط یا معدوم شوند از حکم مذکور استثناء گردیده است که قبلاً در بررسی ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است و در اینجا ضرورت به تکرار آن نمی‌باشد.

بخش پنجم: ضبط و مصادره اموال در قانون مبارزه با مواد مخدر

جرائم موادّ مخدر یکی از مهم‌ترین جرایمی است که در سطح جهان قربانیان بسیار دارد و عدّه‌ای از افراد سودجو و سوداگر فقط جهت نفع شخصی و کسب درآمدهای غیرمشروع مبادرت به تولید و توزیع مواد مزبور در سطوح داخلی کشور و بین‌المللی می‌نمایند. جرایم موادّ مخدر به علت شیوع آن در سطح جامعه و ارتکاب آن توسط باندها و سازمان‌های جنایت‌کار جزء جرایم سازمان‌یافته در سطح بین‌المللی مطرح بوده و کنوانسیون‌های زیادی برای پیشگیری از این بلای خانمان‌سوز و مجازات مرتکبین آن‌ها تشکیل شده است. «قاچاق موادّ مخدر به طور گسترده و وسیع توسط اتحادیه‌های جنایت‌کار سازمان‌یافته که هدفی جز تأمین منافع اقتصادی ندارند، اداره می‌شوند. این موارد شامل فروش خیابانی مواد به صورت وسیع و جریان سریع پول‌ها و درآمدهای ناشی از فروش مواد به سطوح بالاتر شبکه‌های جرایم بین‌المللی می‌باشد. در نهایت این سرمایه‌ها برای تداوم و اثبات شبکه‌های توزیع قاچاق موادّ مخدر به کار گرفته می‌شوند و این عملکرد بدون در نظر گرفتن مرزهای ملی و سیستم‌های مالیاتی و مقررات اعمال شده برای بازرگانی و تجارت انجام می‌شود. یک چنین جریانی از پول، قدرت لازم را برای تضمین و اطمینان تداوم عملکرد سیستم‌های قاچاق فراهم می‌نماید». یکی از عوامل بسیار موثر و بازدارنده افراد از ارتکاب بزه قاچاق مواد مخدر مصادره اموال مرتکبین آن



جرائم می باشد که کاملاً در جهت هدف عکس آن هاست. قاچاق چیان اغلب برای رسیدن به پول ها و ثروت های کلان مرتکب قاچاق مواد مخدر می شوند و اگر به این نتیجه برسند که آنچه از این راه به دست می آورند از آن ها گرفته می شود و علاوه بر آن جریمه هایی هم باید پردازند، انگیزه اقتصادی ارتکاب جرم قاچاق در قاچاقچیان از بین خواهد رفت. در هر حال برخورد با قاچاقچی و مجازات شدن او نسبت به سایر مجرمین از اولویت برخوردار است و فوریت دارد، زیرا قاچاق مواد مخدر آثار زیان بار غیر قابل جبران فردی، اجتماعی و اقتصادی زیادی را به همراه دارد. چه بسیارند زندانیانی که مرتکب قتل، سرقت، و یا جرائم دیگر شده اند و عامل اصلی ارتکاب جرم، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر بوده است. و اگر این افراد رابه زندانیانی که در رابطه مستقیم با مواد مخدر در حبس هستند اضافه کنیم باید بگوییم درصد زندانی هایی که به نحوی با مواد مخدر ارتباط دارند. «در راستای از بین بردن انگیزه اقتصادی اهمیت شستشوی پول ها و ضبط در آمد ها موضوع ماده پنج کنوانسیون ۱۹۸۸ اقرار گرفته است که این کنوانسیون به تصویب مجلس شورای اسلامی هم رسیده است. بنابراین تطهیر پول های کثیف (پاک سازی پول) حاصل از قاچاق مواد مخدر و سایر جرائم در کنوانسیون های بین المللی و برخی از کشور های خارجی مستقلاً جرم شناخته شده و ضبط و مصادره اموال حاصل از جرم می پردازند. مثلاً در بخش ۲۲ قانون جرائم مربوط به قاچاق مواد مخدر مصوب ۱۹۸۶ انگلستان مقرر می دارد: «مساعدت به دیگری در حفظ یا کنترل عواید حاصله از قاچاق مواد مخدر خود یا پنهان سازی یا انتقال از یک قلمرو به قلمرو دیگر یا منتقل نمودن به ذی نفع غیر قانونی است و جرم به حساب می آید.»^۱ «در کنوانسیون پاکسازی پول مصوب شورای اروپا در ۸ نوامبر ۱۹۹۰ در فصل اول و در بند دال ماده یک و از نظر واژه شناسی توضیح

۱- دکتر جعفرکوشا، تفریبات درس حقوق جزای اختصاصی (۲) دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز، سال تحصیلی ۸۶-۸۵ ص ۲۲.



داده شد که مصادره در این کنوانسیون به معنای مجازات یا اقدامی است که توسط دادگاه متعاقب رسیدگی های مربوط به جرم یا جرایم جزایی مورد حکم قرار می گیرد و منجر به محرومیت قطعی از اموال می گردد» که سه فصل قابل بحث است:

۱- مصادره مجازات یا به تعبیر دیگر تعبیر دادگاه است. به هر حال تصمیم قضائی است که از نظر ماهیتی در مقابل یک جرم قرار می گیرد.

۲- این اقدام با تدبیر یا مجازات یا تصمیم از سوی دادگاه که در مقام رسیدگی می باشد، اتخاذ می شود و به تعبیر دیگر در پایان رسیدگی این تصمیم اتخاذ می شود و مقام صالح دادگاه است.

۳- آثار مترتب بر این تصمیم همواره به صورت محرومیت مالک نسبت به اموال مورد نظر ظهور پیدا می کند!

البته لازم به ذکر است که به طور کلی در قوانین ایران عنوان خاصی برای جرم تطهیر پول های کثیف وجود ندارد ولی در بسیاری از موارد قوانینی وجود دارند که ناظر بر این دسته از جرایم می باشند. از جمله آن ها قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد و چنانچه در ماده ۲۸ از این قانون پیش بینی شده که تمامی اموال و وجوه حاصله از مواد مخدر به نفع دولت ضبط خواهد شد و همچنین ماده ۳۰ این قانون پیش بینی کرده که ضبط یا توقیف وسایط نقلیه که در مورد مواد مخدر دخالت دارد به نفع دولت، پس نتیجه گرفته می شود که یکی از جرائم موضوع پاکسازی پول یا تطهیر پول های کثیف در قوانین ایران در خصوص مواد مخدر می باشد. با توضیحات فوق به بررسی ضبط و مصادره اموال

قوانین مربوط به قاچاق مواد مخدر می پردازیم. با بررسی و مطالعه مقررات و قوانین راجع به مواد مخدر قبل از انقلاب مشخص می گردد که در هیچ یک از مقررات مذکور مجازاتی تحت عناوین مصادره اموال یا ضبط اموال و دارایی های مجرمین پیش بینی و تصویب نشده و آنچه در این مورد وجود دارد بسیار استثنایی است، برای مثال: بند سوم از فصل پنجم آئین نامه اجرائی و طرز مجازات متخلفین از قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب آبان ماه ۱۳۳۴ مطابق ۱۹۶۵ میلادی اشاره تلویحی دارد به اینکه: ۳- هر کس در داخل کشور مواد افیونی نگهداری یا خرید و فروش یا حمل نماید اعم از اینکه مالک یا واسطه حمل و نقل باشد علاوه بر ضبط عین مال در وزارت بهداشتی به حبس تأدیبی از سه تا شش ماه... در این بند آنچه به خوبی جلوه گر است مالیت داشتن مواد مخدر و مشروعیت آن است و ضبط به خود تریاک برمی گردد و اگر منظور مقنن اموال یا مال دیگری بود باید به صراحت یا به قرینه ای صریح به آن اشاره می کرد و استثناء دیگر که می تواند محکم تر از بند مذکور باشد ماده ۱۱ لایحه قانونی راجع به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک است با این عبارت: «ماده ۱۱- در مواد مذکور در ماده ۴ و قسمت اخیر ماده ۷ این قانون وسیله نقلیه موتوری حامل مواد مخدر که مال مرتکب بوده و در حین کشف به دست مأمورین افتد به دستور دادستان موقتاً توقیف و در صورت محکومیت مرتکب طبق رای دادگاه به ملکیت وزارت بهداشتی استقرار خواهد یافت.» و در اصلاحیه ماده مذکور چنین اصلاح شده:

«... وسیله نقلیه موتوری حامل مواد مخدر به دستور دادستان موقتاً توقیف میشود و در صورت محکومیت به اداره ای که در کشف جرم مؤثر بوده است تعلق خواهد گرفت و اگر صاحب وسیله نقلیه غیر از متهم باشد و بدون اطلاع او وسیله نقلیه را برای حمل مواد مخدر به کار برده باشد وسیله نقلیه به وی پس داده می شود...»



در ماده ۴ قانون مزبور، تولید، توزیع یا فروش بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیره، سوخته و یا تفاله تریاک و همچنین وارد کشور نمودن و صدور و ارسال آن ها جرم شناخته شده و برای مرتکبین مجازات جزای نقدی، شلاق و حسب مورد حبس پیش بینی شده است.

در بند ۴ ماده مزبور مقنن در جهت تشدید مجازات مرتکبین که بیش از پنج کیلوگرم مواد را تولید، توزیع یا در معرض فروش قرار داده و یا صادر نموده اند مجازات اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم را پیش بینی نموده است. همچنین مقنن در جهت تشدید مجازات در بند های ۴، ۵، ۶، ماده پنج و ماده شش و بند ۶ و تبصره یک ماده ۸ و ماده ۱۳، تبصره ماده ۱۲، ماده ۲۰، ماده ۲۸، ماده ۲۹، ماده ۳۰ و ماده ۳۶ ضبط و مصادره اموال را به عنوان ضمانت اجراء کیفری جرم قاچاق مواد مخدر ذکر نموده است. مجازات مزبور به عنوان مجازات اصلی و اجباری می باشد که جزء مجازات های بازدارنده محسوب می گردد و جنبه ی بازدارندگی فردی و اجتماعی است که از تکرار عمل مجرمانه مزبور جلوگیری به عمل می آورد. ماده ۲۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مقرر می دارد:

«کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ق.ا در خصوص اموال دولتی نمی باشد.»

تبصره- وسایل نقلیه ای که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر به دست می آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل کننده ضبط می کند...»

در مورد نقاط ضعف و قوت مجازات ضبط و مصادره اموال در قانون می توان گفت:

مستفاد از ماده ۲۸ قانون اخیرالتصویب کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری در صورت وجود ادله کافی برای مصادره به نفع دولت ضبط می شود. اولاً: در خصوص نحوه تحلیل و بررسی اموال حاصل از قاچاق در عمل مشکلات فراوانی وجود دارد به گونه ای که قانون جواب گوی نیاز مسؤلان و دست اندرکاران امر تحقیق نمی باشد و به دلیل اینکه سوابق واقعی افراد همواره برای مراجع قضایی مشخص نمی باشد و همچنین در بسیاری از موارد به دلیل تأخیر در رسیدگی به اموال مرتکبین، آن ها با استفاده از معاملات صوری اموال خود را به دیگران منتقل می کنند لذا در هنگام صدور حکم اموال چندانی از آنها شناسایی نمی شود.

ثانیاً: از مقایسه ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر یا مواد مندرج در قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ ق. ۱ جمهوری اسلامی ایران می توان نتیجه گرفت که حتی در مواردی که ضبط اموال مشمول ماده ۲۸ نگردد با استفاده از قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ می توان نسبت به مصادره اموال مرتکبین قاچاق اقدام نمود.

برابر ماده ۳۰ قانون اخیر و سایل نقلیه ای که حامل مواد شناخته می شوند به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می گیرد. با عنایت به اینکه میزان مواد مکشوفه در خودروی حامل مواد مخدر مشخص نشده و ملاک و معیاری در این زمینه در دست نیست. لذا همین امر موجب برداشت چند گانه و صدور احکام متفاوت از سوی محاکم گردیده ولیکن خودرو در صورتی حامل مواد شناخته می شود که صرفاً حمل آن مقدار توسط فرد امکان پذیر نباشد والا خودرو حامل مواد شناخته نشده و قابل ضبط و توقیف نخواهد بود.

بخش ششم: ضبط اموال به عهده دادگاه است یا دادسرا؟

مطابق ماده ۱۰ ق. ۱. م. فقط در صورت قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب دادستان موظف به تعیین تکلیف اموال مکشوفه می باشد و در صورت صدور قرار مجرمیت تعیین تکلیف با دادگاه



است ولی دادگاه‌ها به این بهانه که دادگاه فقط در محدوده کیفرخواست مجاز به رسیدگی است از تعیین تکلیف آلات جرم خودداری می‌نمایند، حال اگر در کیفرخواست از این جهت تقاضائی نشده باشد تعیین تکلیف اموال مزبور با کدام مرجع است؟ همچنین اگر نظر دادسرا به ضبط باشد آیا رأساً می‌تواند ضبط نماید یا دادگاه باید حکم به ضبط بدهد؟

الف: مستفاد از ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی کیفری آن است که مالی که در جریان تحقیقات کشف گردیده است باید به دستور بازپرس یا دادستان به کسی که مال از وی سرقت و یا اخذ شده، مسترد شود مگر اینکه وجود آنها برای دادرسی لازم باشد اما اشیائی که باید قانوناً ضبط یا معدوم شوند از شمول این ماده مستثنی هستند.

ب: حسب ماده ۱۳ از قانون اقدامات تأمینی مصوب ۳۹، دستور ضبط اشیائی که آلت جرم بوده و یا در نتیجه جرم حاصل شده باشند حسب تقاضای دادستان و با حکم دادگاه صادر می‌شود.

ج: طبق ماده ۱۰ از قانون مجازات اسلامی در صورت صدور قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب، بازپرس یا دادستان باید تکلیف اشیاء تحصیل شده یا کشف شده را معین کند که بایستی مسترد، ضبط یا معدوم شوند که در این صورت اختیار استرداد یا معدوم نمودن اشیاء را دارد اما در باب ضبط، این دادگاه است که بایستی تکلیف اموال یا اشیاء را معین نماید چون حسب قسمت اخیر همان ماده فقط در باب ضبط اموال است که دادگاه باید حکم مخصوص صادر کند.

نتیجه آنکه: در صورت صدور کیفرخواست حسب ماده ۱۰ فوق‌الذکر از قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۰۷ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی دادگاه مکلف



است تکلیف آلات و ادوات جرم را معین کند و چنانچه نظر دادسرا بر ضبط باشد نمی تواند رأساً نسبت به ضبط مال اقدام کند و بایستی مراتب را به دادگاه محول کند.

نتیجه گیری

در خاتمه تذکر یک نکته ضروری است و آن این که از مجموع مباحثی که در این مقاله مرور کردیم مشخص می شود که قوانین کیفری ایران در خصوص ضبط و مصادره اموال تاحدودی دارای نقص می باشد و به مهمترین موارد نقض قوانین می توان شرح زیر اشاره نمود:

۱- اول آنکه قانون گذار تعریفی از ضبط و مصادره اموال ارائه نکرده است و این امر سبب شده است که بین حقوق دانان در خصوص این که آیا ضبط و مصادره اموال مترادف هستند یا متضاد، اختلاف ایجاد شود به طوری که عده ای آن دو را مترادف می دانند و عده ای دیگر آن دو را متفاوت می دانند که شرح آن در متن تحقیق گذشت.

۲- دوم اینکه قانون گذار ماهیت حقوقی ضبط و مصادره اموال را به صراحت بیان نکرده است هرچند از نحوه استفاده و کاربرد آن می توان به ماهیت آن پی برد ولی این موضوع در قانون به صراحت تعیین نشده است و همین امر سبب شد که در ماهیت ضبط و مصادره اموال دانشمندان علم حقوق نظرات مختلفی بیان نمایند به طوری که گروهی آن ها را به عنوان مجازات بیان می کنند و عده ای آن دو را به عنوان اقدام تأمینی و جمعی هم بر این عقیده هستند که آن ها دارای مفهوم مدنی اند نه مجازات و اقدام تأمینی.

۳- مطلب دیگر این که همان طوری که در مباحث قبلی بیان شد اموال موضوع حکم ضبط و مصادره اموال ممکن است متعلق به اشخاص ثالث باشد و در این که آیا اشخاص ثالث جهت



احقاق حقوق خود بتواند به احکام صادره اعتراض کنند یا خیر ونحوه ی اعتراض به چه صورت باید باشد قوانین مربوطه در این خصوص ساکت است ومقنن در این خصوص صراحتاً تعیین تکلیف نکرده است که این موضوع هم یکی از نواقص قانون می باشد.

۴-دیگر این که به طوری که عده ای از حقوق دانان براین عقیده اند که ضبط دائم اموال مترادف مصادره اموال می باشد در این صورت آیا نحوه ومرجع تجدیدنظر از احکام ضبط دائم هم مانند مصادره اموال دیوان عالی کشور می باشد یا خیر که در این خصوص نیز قانون ساکت بوده وهیچ گونه تصریحی وجود ندارد.

علی ای حال موارد ومطالب مذکور مؤید این امر است که در قوانین کیفری ما در خصوص ضبط ومصادره اموال دارای نقص بوده وکامل نمی باشد ونظر به اینکه ضبط ومصادره اموال به عنوان یک ضمانت اجرای کیفری ونوعی مجازات مالی نیز می تواند مطرح باشد با توجه به اصل فقهی احترام مال ومالکیت در حقوق اسلام وایران وبا عنایت به اصول مسلم حقوقی(اصل شخصی بودن مجازات ها واصل تساوی مجازات ها)به جاست که مقنن نسبت به رفع نواقص مشروحه اقدام تا جایگاه ضبط ومصادره اموال در قوانین کیفری ایران مشخص ومعین گردد.

بعد از موارد پیش گفته حقوق دانان و جرم شناسان را عقیده بر این است که با قبول فلسفه جدید اجرای مجازات که همان تأمین نظم عمومی واصلاح مجرم از راه ارعاب و تربیت و آموزش اوست ، در پاره موارد اجرای مجازات و تحمیل مشقت بدنی یا زیان مالی به مجرم چندان با فلسفه جدید مجازات سازگار نبوده و گاهی نیز مغایر آن فلسفه و هدف به نظر میرسد،علی هذا بهتر است راهی انتخاب گردد که بهتر و بیشتر هدفهای جدید مجازات را تامین نماید.



منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آشوری (دکتر محمد)، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۴
- ۳- امین پور (محمد تقی)، قانون کیفر همگانی و آراء دیوان عالی کشور، شرکت سهامی، ۱۳۳۰،
- ۴- بکاریا (سزار) رساله جرایم و مجازات ها ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی چاپ ششم نشر میزان، ۱۳۸۷،
- ۵- بهرام احمدی (دکتر حمید) سوء استفاده از حق، انتشارات اطلاعات تهران، ۱۳۸۰
- ۶- تفرشی (دکتر محمد عیسی) مباحث تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری، جلد اول دانشگاه تربیت مدرس، ۷۸،
- ۷- جعفری لنگرودی (دکتر محمد جعفر) ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲،
- ۸- جرحی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر الکلام، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۹- حسینی (سید محمد)، مجازات های مالی حقوق اسلامی، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲،
- ۱۰- روسو (ژان ژاک) قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک زاده چاپ اول انتشارات ادیب، ۱۳۶۸،
- ۱۱- زراعت (دکتر عباس) شرح قانون مجازات اسلامی، جلد اول، چاپ دوم نشر فیض، ۱۳۷۷،



- ۱۲- شامیاتی (دکتر هوشنگ) حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، مؤسسه انتشاراتی، ۱۳۷۲
- ۱۳- شهری (غلام رضا) و ستوده جهرمی (سروش) نظریه های اداره حقوق قوه ی قضائیه در مسائل کیفری، جلد اول، چاپ دوم، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۷
- ۱۴- صالحی (دکتر پرویز) حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجم، انتشارات گنج دانش، ۷۲
- ۱۵- علی آبادی (دکتر عبدالحسین) حقوق جنایی، جلد دوم، ناشر بانک ملی، ۱۳۵۲
- ۱۶- علی پاشا (صالح)، سرگذشت قانون، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- حمید (حسن) فرهنگ حمید، چاپ پنجم انتشارات جاویدان، ۱۳۵۰
- ۱۸- کشاورز (بهمن)، مجموعه قانون تعزیرات، چاپ دوم انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶
- ۱۹- کشاورز (بهمن)، نگرشی بر قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۴
- ۲۰- گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تطبیق دکتر سید ضیاءالدین، جلد دوم، انتشارات مهر آیین، ۱۳۴۴.

